

مسجد چگونه به سازماندهی مردم می‌پرداخت؟

۲۶ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۷

فوکو در یادداشت‌های خود از مشاهداتش در تهران، مطلبی را در این خصوص ذکر کرده که نشان‌دهنده‌ی نقش گفتمان متضاد مساجد با نظام حاکم در بسیج افکار عمومی و نیروهای اجتماعی علیه رژیم شاه است...

حمیدرضا کشاورز؛ مساجد در صدر اسلام به دلیل عهده‌داری کانون اصلی ارتباط مردم، به‌ویژه فعالان جامعه، کارکردهای فراوانی را در نظام اجتماعی ایفا می‌کردند. در عصر جدید، به دلیل تفکیک ساختاری و تقسیم کار، به برخی از کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن کمتر توجه می‌شود. با این حال، در جریان انقلاب اسلامی ایران، مساجد نه تنها محلی برای عبادت، که محلی برای فعالیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی علیه رژیم و نظام اجتماعی حاکم بودند. با توجه به مطالب مزبور، نوشتار حاضر درصدد است تا به بررسی عملکرد و سازوکارهای مساجد در بسیج مردم در جریان انقلاب اسلامی بپردازد.

مسجد مهم‌ترین نهاد سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول قرون متمادی بوده و نقشی محوری و بی‌بدیل در اداره‌ی جامعه و تحولات آن ایفا کرده است. برای سالیان دراز، اولین اقدام والی هر شهر و خلیفه‌ی مسلمین به طرق اولی، خواندن خطبه‌ای در مسجد اصلی شهر بوده است. تمام نمازهای جمعه و گاهی تمام نمازهای مسجد اصلی شهر به امامت والی و خلیفه برگزار می‌شد و اغلب ارتباط مردم با والی نیز از همین طریق انجام می‌گرفت.

همچنین بسیاری از اقدام‌های حکومتی نظیر قضاوت، جمع سپاه، بسیج مردم و مواردی این‌چنینی نیز در مساجد انجام می‌گرفت. این همه نشانه‌ی اهمیت مساجد و از آن مهم‌تر، ظرفیت این نهاد برای ایفای نقش‌های مختلف با توجه به نیاز جامعه و شرایط زمانی و مکانی است. از این رو، بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی حتی در دوران ما نیز بدون توجه به نقش و ویژگی‌های مساجد، ناقص خواهد بود. این مهم در مورد تحولاتی چون انقلاب اسلامی ایران، که صبغه‌ی دینی آن در نگاه تحلیل‌گران سیاسی مشهود بوده است، ضروری‌تر می‌نماید.

مساجد و بسیج نیرو در انقلاب اسلامی

نهضتی که به رهبری امام خمینی (ره) برای سرنگونی رژیم پهلوی شکل گرفت، از اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ شمسی ادامه یافت. در این برهه از زمان، مساجد ایران توانستند نقشی مؤثر در ایجاد انسجام اجتماعی در مقابله‌ی مردم با رژیم شاه ایفا نمایند.

در این خصوص، میشل فوکو مشاهده‌های خود را از مساجد ایران چنین بیان می‌دارد:

«تمام روز مراها در مساجد با خشم از شاه، از آمریکا و از غرب و ماده‌پرستی آن حرف می‌زنند و مردم را به نام اسلام و قرآن به پیکار با همه‌ی رژیم طاغوت فرامی‌خوانند. هر وقت که مسجد کوچک بوده و برای مردم جا نداشته باشد، بلندگوها را در خیابان نصب کرده‌اند و این صدا در همه‌ی محله یا ده طنین‌انداز شده است... می‌دانید که این روزها چه عبارتی بیش از هر چیز برای ایرانی‌ها خنده‌آور است و به نظرشان از هر حرفی ابلهانه‌تر، خشک‌تر و غربی‌تر است؟ دین تریاک توده‌هاست. تا همین دوران رژیم فعلی، مراها [در روزهای جمعه] تفنگ در دست خطبه می‌خواندند...» [۱]

گزارش‌های ساواک بیانگر آن است که هدف جلسات و منبرهای مساجد، ترویج افکار انقلابی و اسلامی مخالف با رژیم در میان مردم بوده است؛ اقدامی که تنها به تهران ختم نمی‌شد و در سایر شهرهای ایران از جمله مشهد، تبریز، شیراز و قم نیز با شور و هیجان زیاد مورد توجه مردم قرار می‌گرفت.

چنان‌که از مشاهدات فوکو نیز پیداست، مساجد ایران در همان آغاز کار، با بیانات انقلابی خود، سعی در ایجاد یکپارچگی و انسجام میان مردم داشتند؛ امری که نهایتاً با رهبری مدبرانه‌ی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به ثمر نشست و توانست پرچم اسلام را با پشتیبانی مردم در سرتاسر این سرزمین، به اهتزاز درآورد. در ادامه، به بررسی چگونگی این اقدامات از سوی مساجد با ذکر مستندات تاریخی، خواهیم پرداخت.

مساجد و بسیج نخبگان

برای بررسی دقیق‌تر نقش مساجد در بسیج توده‌ای مردم، در وهله‌ی نخست، باید نحوه‌ی تعامل مساجد و نخبگان متعهد به ارزش‌های اسلامی و انقلابی را مورد توجه قرار داد؛ چراکه بدون جمع این دو، هر حرکتی می‌توانست ناقص باشد و به نتیجه‌ی مطلوب منجر نگردد. اسناد به‌جامانده از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد مساجد نقش انقلابی خود را در قالب‌های گوناگونی انجام داده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین گام‌های مساجد در این حوزه را می‌توان در جلسات اندیشمندان اسلامی در مسجد الجواد تهران ملاحظه نمود. در واقع اندیشمندان و متفکرانی نظیر شهید مطهری یا آیت‌الله مفتاح با همکاری نخبگانی چون شهید بهشتی و شهید باهنر، کلاس‌های متعددی را در این مساجد برپا می‌نمودند تا از این راه بتوانند ضمن بسیج نخبگان جامعه، مردم را نیز بیش از پیش به حضور پررنگ در این قبیل اجتماعات تشویق نمایند؛ اقدامی که با برگزاری مراسم مشابه در شیراز، بجنورد و سایر شهرهای ایران، بیانگر دستاورد مثبت مساجد در این حوزه بوده است. گزارش‌های تاریخی فوق نشان می‌دهد در سال‌های انقلاب، مساجد محل تجمع هم‌فکران و نخبگان جامعه برای هم‌فکری و تبادل آرا بر مبنای ارزش‌های اسلامی و انقلابی بوده است. [۲]

دومین گام توسط مساجد در مسیر انسجام‌بخشی نیروها و بسیج مردم، آموزش‌های اجتماعی و سیاسی به توده‌های انقلابی است. در این مرحله، الگوهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی در قالب سخنرانی‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزشی و همچنین ترویج کتاب‌های خاص و مرتبط، انجام می‌گرفته است.

سخنرانی رایج روحانیان در مساجد و به‌ویژه در ماه‌های محرم، صفر، رمضان و مناسبت‌های مذهبی صورت می‌گرفته است تا جایی که حلقه‌ای از منبرهای مذهبی در تهران و شهرستان‌ها هم‌زمان و به‌طور منظم از اواخر دهه‌ی چهل شروع به فعالیت کردند که رسالت اصلی آن‌ها طرح مباحث اجتماعی و سیاسی در دل مباحث مذهبی بوده است. گزارش‌های ساواک در این خصوص، بیانگر آن است که هدف جلسات و منبرهای مساجد، ترویج افکار انقلابی و اسلامی مخالف با رژیم در میان مردم بوده است؛ اقدامی که تنها به تهران ختم نمی‌شد و در سایر شهرهای ایران از جمله مشهد، تبریز، شیراز و قم نیز با شور و هیجان زیاد مورد توجه مردم قرار می‌گرفت. [۳]

علاوه بر سازوکار سخنرانی علما بر منبر، از دیگر شیوه‌های مساجد در خصوص بسیج مردم، می‌توان به برگزاری کلاس‌های آموزشی اشاره نمود؛ کلاس‌هایی که مخفی نبوده و به‌صورتی آشکار نشان‌دهنده‌ی تجمیع هم‌فکران و تبادل آرا میان آن‌ها بوده است. شاید بتوان این قبیل کلاس‌ها را کلاس‌هایی پُرشور و پُر مخاطب توصیف نمود که صبغه‌ی آموزش عمومی داشتند و در آن‌ها، به ترویج الگوهای ارزشی متضاد با نظام اجتماعی حاکم در میان مردم می‌پرداختند.

برای مثال، مسجد کرامت مشهد، محل فعالیت رهبر معظم انقلاب بود که براساس اسناد ساواک، پس از اتمام نماز، آیاتی از قرآن را که ایشان برای افزایش فهم سیاسی و اجتماعی مردم مناسب می‌دانستند، تفسیر می‌نمودند. یا نمونه‌ی دیگر، مسجد هدایت تهران است که با مدیریت آیت‌الله طالقانی و درس تفسیر مشهور ایشان که وجهه‌ی سیاسی و اجتماعی داشت، مخاطبان بسیاری را دور خود جمع کرد که برخی از آنان بعدها از انقلابیون مؤثر شدند. وجهه‌ی اجتماعی این جلسات و استقبال گسترده‌ی مردم از مساجد نهایتاً سبب شد تا رژیم شاه مجالس درس و آموزشی مساجد را تعطیل کند و برخی از علما را نیز به زندان بیندازد. [۴]

ترویج کتاب‌های آموزشی نیز از دیگر سازوکارهای آموزشی و مبارزاتی مساجد است که البته نقشی بسزا در مسیر بسیج مردم و توده‌ها در جریان انقلاب اسلامی داشته است. در سال‌های انقلاب اسلامی، فعالیت آموزشی و فرهنگی مساجد به‌قدری گسترش یافت که رژیم شاه تلاش می‌کرد تا اقدامات آن‌ها را محدود نماید. در سند شماره‌ی ۱۷۸ از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در مورد کتابخانه‌های مساجد آمده است: برای جلوگیری از فعالیت‌های گسترده‌ی مساجد در افزایش روحیه‌ی تقابل با رژیم حاکم، اقدامات مقتضی را برای مقابله با مساجدی که دارای کتابخانه‌های گسترده هستند، انجام دهید. چنان‌که از مطالب مزبور مستفاد می‌گردد، رژیم پهلوی اقدامات مساجد را در حوزه‌ی بسیج افکار عمومی علیه شاه، خطری بزرگ برای خود می‌دانسته است. [۵]

یکی از کارکردهای پنهان مساجد در شکل‌دهی به بسیج افکار عمومی علیه رژیم شاه، شکل‌دهی به نوعی شبکه‌ی اطلاع‌رسانی در مسائل سیاسی و اجتماعی بود که عملاً رسانه‌های رژیم حاکم را در میان توده‌های مبارز و انقلابی از کار انداخته بود. گزارش‌های به‌جامانده از دوران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ارتباط رسانه‌ای دولت با بخش عظیمی از مردم که تحت مدیریت مساجد و نیروهای انقلابی هستند، سست شده بود و عملاً تصاویر ذهنی این افراد از شخصیت‌ها، وقایع و پدیده‌ها توسط مساجد شکل می‌گرفت. به‌عنوان نمونه، استمپل در «شکست انحصار رسانه‌ای دولت توسط مساجد» می‌نویسد:

«در بقیه‌ی سال ۱۳۵۶ شمسی، برای اولین بار شبکه‌ی مسجد تأثیر خود را به مخالفین اثبات نمود... در نتیجه، شهروندان عادی با یک منبع اطلاعاتی دیگر که به دولت نیز وابستگی نداشت، از جریان امور آگاه شدند... این گروه‌های اصلی، حوادث را برای پیروان خود و سایر کسانی که علاقه‌مند بودند، تفسیر می‌کردند و این امر برای تبلیغ مسائل سیاسی، جانشین رسانه‌های گروهی دولت شده بود.» [۶]

و یا در تحلیلی عمیق‌تر از نقش رسانه‌ای و اطلاعاتی مساجد، فوکو در مشاهده‌های خود از آبادان در سال ۱۳۵۷ شمسی، شبکه‌ی رسانه‌ای جریان‌های مذهبی را، که بر اثر استبداد شاهی روزبه‌روز گسترش یافت، این‌گونه توصیف می‌کند:

«یک شبکه‌ی اطلاعاتی تمام‌عیار؛ شبکه‌ای که بر اثر پانزده سال تاریک‌اندیشی برقرار شده و مرکب است از تلفن، نوار، ضبط‌صوت، مسجد و منبر، دفتر کار و کلا و محفل‌های روشن‌فکران. من طرز فکر یکی از این سلول‌های بنیادی اطلاعاتی را نزدیک مسجدی در آبادان، به چشم دیدم.» [۷]

این قبیل گزارش‌ها نشان می‌دهند که در کشور، دو طیف رسانه‌ای جداگانه و متضاد در حال فعالیت بودند و بخش عظیمی از مردم، اخبار و تحلیل‌های مساجد را گوش می‌کردند، تاریخ قمری و نه شاهنشاهی را جهت تنظیم زندگی خود مورد استفاده قرار می‌دادند و به دستورات ائمه‌ی جماعت و نه دولت عمل می‌کردند و این موارد همه نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری یک راه ارتباطی جدید و البته تأثیرگذار و از کار افتادن رسانه‌های رسمی شاهنشاهی بود.

مسجد کرامت مشهد محل فعالیت رهبر معظم انقلاب بود که براساس اسناد ساواک، پس از اتمام نماز، آیاتی از قرآن را که ایشان برای افزایش فهم سیاسی و اجتماعی مردم مناسب می‌دانستند، تفسیر می‌نمودند. همچنین مسجد هدایت تهران با مدیریت آیت‌الله طالقانی و درس تفسیر مشهور ایشان، که وجهه‌ی سیاسی و اجتماعی داشت، مخاطبان بسیاری جلب کرد که برخی از آنان بعدها از انقلابیون مؤثر شدند.

در واقع چنان‌که در اظهارات و مشاهدات فوق آمده است، مساجد پس از ایجاد انسجام و هماهنگی میان نخبگان، با برگزاری

فعالیت‌های آموزشی، زمینه‌ی مقابله با رژیم پهلوی را گسترش دادند و در واقع با بهره‌گیری از توان اطلاع‌رسانی و ارتباطی، نه تنها مقولات فوق را تکمیل نمودند، بلکه زمینه‌ی انتقال گسترده‌تر اخبار، اطلاعات و برنامه‌ها را نیز فراهم آوردند؛ اقداماتی که در نهایت با انتقادات گسترده‌ی مساجد از رژیم شاهنشاهی و بسیج مردم در مقابله‌ی با آن به بار نشست. در قسمت بعد، به تشریح این مورد نیز خواهیم پرداخت.

مساجد و بسیج مردم در انتقاد از سیاست‌های رژیم پهلوی

پیش‌تر گفتیم که پس از شکل‌گیری گروه‌های هم‌فکر و آموزش‌الگوهای ارزشی اسلامی و انقلابی که در تضاد با الگوهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رژیم طاغوت قرار داشت، شکافی عمیق میان الگوهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی حاکم ایجاد شد. بر این اساس، روحانیان و فعالان اجتماعی در مساجد، با استفاده از سخنرانی، نشر اعلامیه، پخش نوارهای صوتی و مواردی از این دست، به انتقاد از سیاست‌های حاکم بر نظام اجتماعی دوره‌ی پهلوی دوم پرداختند و حتی عملاً به تجمع، راه‌اندازی تظاهرات و درگیر شدن با نیروهای شاه اقدام نمودند.

فوکو در یادداشت‌های خود از مشاهداتش در تهران، مطلبی را در این خصوص ذکر کرده که نشان‌دهنده‌ی نقش گفتمان متضاد مساجد با نظام حاکم در بسیج افکار عمومی و نیروهای اجتماعی علیه رژیم شاه است:

«مساجد و روحانیان سرچشمه‌ی یک تسلائی دائمی‌اند. ایشان باید بیداد را نفی کنند، از دولت انتقاد کنند، برضد اقدام‌های ناشایست برخیزند، نکوهش کنند و رهنمود بدهند... مذهب شیعه... شکلی است که مبارزه‌ی سیاسی، همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند، به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می‌آورد و به این دلیل، این همه را به‌صورت یک نیرو درمی‌آورد که خودش یک صورت بیان است، یک شیوه‌ی با هم بودن است، نوعی گفتمان است، چیزی است که از راه آن می‌توان صدای خویش را به گوش دیگران رساند و با ایشان، هم‌زمان با ایشان، هم‌خواست شد.» [۸]

از همین روست که در جای‌جای اسناد به‌جامانده از دوران انقلاب اسلامی، به مواردی برمی‌خوریم که مساجد نسبت به تحولات سیاسی و وضعیت اجتماعی، به انتقاد پرداخته‌اند، مردم را به نوعی واکنش شکل داده‌اند و آن را به حکومت منتقل کرده‌اند و نهایتاً با برگزاری تجمع‌های بزرگ یا تظاهرات مسالمت‌آمیز و گاهی خشونت‌آمیز یا تهدید به برگزاری آن، به حکومت پهلوی فشار آورده‌اند. طبیعی است که این قبیل اقدامات مساجد در جهت بسیج توده‌ای مردم برای مقابله و مبارزه با رژیم پهلوی، نه تنها ساختارهای پوشالی رژیم طاغوت را سست نمود، بلکه در ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، زمینه‌های فروریزی کامل آن را نیز فراهم آورد. (*)

پی‌نوشت‌ها:

۱. میشل فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه‌ی حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، ۱۳۸۹، ص ۲۸ و ۲۹.

۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۲۶، ۱۳۸۲، ص ۲۷.
۳. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضاشاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، قم، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.
۴. مهناز میزبانی، منیژه صدری و حشمت‌الله سلیمی، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳۶.
۵. مهناز میزبانی، منیژه صدری و حشمت‌الله سلیمی، پیشین، ص ۳۱.
۶. جاندی استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی، تهران، رسا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۷. میشل فوکو، پیشین، ص ۵۸ و ۵۹.
۸. پیشین، ص ۳۱ و ۳۲.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۸۸۴/مسجد-چگونه-سازماندهی-مردم-سازماندهی-چگونه-مسجد>